

## فضاهای مذهبی در کالبد شهر زرتشتی مطالعه موردی: یزد

حسن کریمیان<sup>۱</sup>، فاطمه کریمی<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول)

<sup>۱</sup> دانشیار گروه باستان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران  
<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

### چکیده

بی تردید می توان فضاهای شهرهای تاریخی را به آینه ای تشبیه کرد که عقاید و فرهنگ سازندگان و ساکنان را منعکس می نمایند. شهر تاریخی یزد یکی از محدود شهرهای ایران است که بافت کهن و محلات تاریخی آن نسبتاً سالم باقی مانده است. با استناد به منابع تاریخی، به روزگار قاجار، نه محله از ۷۷ محله بافت تاریخی این شهر سکونتگاه زرتشتیان بوده است. از آنجا که سلامت فضاهای این محله ها، مطالعه فضاهای آنها را آسان می کند، در پژوهش حاضر تلاش گردیده تا میزان اثربخشی دستورات دین زرتشت بر شکل گیری فضاهای مذهبی محله های زرتشتیان مورد سنجش قرار گیرد. اصلی ترین پرسشی که در پژوهش حاضر تلاش می گردد تا بدان پاسخ داده شود، این است که کدامیک از عناصر معماری در کالبد یک شهر زرتشتی نشین تحت تأثیر دستورات دین زرتشت احداث می شوند و چه دستورات مذهبی بر شکل گیری این فضاها اثرگذارند؟ بدین منظور، یکی از محلات زرتشتی نشین یزد که بیشتر از سایر محله ها سلامت و رونق گذشته خود را حفظ نموده انتخاب شد و با استفاده از مکتوبات تاریخی و یافته های میدانی، آن دسته از فضاهای شهری که با دستورات دین زرتشت ایجاد شده و فضای کالبدی شهر یزد را فرم بخشیده اند، شناسایی و معرفی گردیدند و مشخص شد که فضاهای مذهبی نقشی کلیدی در فرم بایی و توسعه کالبد شهرهای زرتشتیان ایفا می نماید.

واژگان کلیدی: بافت تاریخی یزد، محله دستوران، فضاهای مذهبی زرتشتیان، فضای شهری.

\* E-Mail: Fatima.karimy69@gmail.com

## مقدمه

مقررات و اصول حاکم بر احداث شهرسازی در گذشته متأثر از مذهب بود؛ چنان که بنای بسیاری از شهرهای باستانی بر اساس معتقدات مذهبی و با رعایت تشریفات خاص دینی ریخته شده و مانند امر قدسی تلقی می‌گشت (رشیدی، بی تا، ۶۲). بدین سبب، شناخت مبانی نظری و به‌ویژه مبانی حکمی و منبعث از جهان-بینی بسیار اهمیت دارد (نقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۱)؛ چرا که معماری و فضاهای شهری از مرز نیازهای زیستی فراتر رفته و به تلاشی برای تجسم اندیشه و جهان‌بینی تبدیل شده‌اند (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۵۸). در این پژوهش هدف آن است که ضمن احصاء دستورات حاکم بر شکل‌یابی فضاهای مذهبی زرتشتیان، نمونه فضاهای متأثر از این دستورات در بافت تاریخی یزد معرفی گردند. بدین منظور، یکی از محله‌های نه‌گانه زرتشتیان در بافت تاریخی یزد، که فضاهای آن تقریباً سالم مانده (محله دستوران<sup>۱</sup>)، انتخاب شده و مورد مطالعات میدانی قرار گرفته است (تصویر شماره ۱). نام این محله در تواریخ یزد تحت عنوان محله «مجوسیان» هم ذکر شده (افشار، ۱۳۷۴: ۷۸۷)؛ اما اکنون به محله زرتشتیان یا محله موبدان مشهور است (خادم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۶). در انجام پژوهش حاضر پرسش‌هایی قابلیت طرح یافته که از آن جمله‌اند: آیا در احکام دین مزدیسنا به‌وجوب ایجاد فضاهای مذهبی تأکید شده و در صورت این ضرورت، این فضاها در محله دستوران کدام‌اند و چه عملکردی داشته‌اند؟ دیگر اینکه، در شکل‌گیری این فضاها کدام اصل دینی غالب بوده و بیشترین تأثیر را داشته است؟ در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، علاوه بر آنکه تمامی دستورات دین زرتشت که مؤثر بر فرم‌یابی فضاهای شهری‌اند، احصاء گردیدند؛ عملکرد تمامی بناهای محله مذکور مشخص و واحدهایی که تحت تأثیر این دستورات مذهبی احداث شده‌اند، شناسایی و مطالعه شدند.

## پیشینه پژوهش

کثرت و وسعت شهرهای ایران سبب شده که تحقیق درباره فضاهای زیستی و بافت‌های کهن مراحل نخستین خود را طی نماید. اغلب متخصصانی که محوطه‌های باستانی ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند، تنها به توصیف ویژگی‌هایی مانند نوع مصالح، روش ساخت، ابعاد و احجام آنها اکتفا نموده‌اند. هوف (۱۳۷۴: ۱۷۶-۲۰۰)، کیانی (۱۳۷۴)، اولین باستان‌شناسان و متخصصان شهرسازی هستند که گام را اندکی فراتر نهاده و به ثبت نکاتی از اساطیر و متون مذهبی در خصوص بناها و شهرهای کهن ایران پرداخته‌اند. به هر روی، درک و تحلیل علمی فضاها و بافت‌های کهن، نقطه عطف توجه و کانون فعالیت مشترک باستان‌شناسان، معماران و شهرسازان در دهه‌های اخیر بوده است. در ارتباط با بافت تاریخی شهر یزد نیز تعدادی از محققان رشته معماری و علوم

## Archive of SID

اجتماعی تحقیقات ارزشمندی به نشر رسانده‌اند که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های افشار (۱۳۵۴)، توسلی (۱۳۶۰)، توسلی و همکاران (۱۳۶۸)، خادم‌زاده (۱۳۸۸)، سلطان‌زاده (۱۳۷۰)، بشارت (۱۳۸۵)، مسرت (۱۳۷۶)، معاریان (۱۳۸۶)، نقصان محمدی و حج فروش (۱۳۷۲)، رضانخانی و مدرس مصدق (۱۳۸۷) و سرائی (۱۳۸۹) اشاره نمود. در سال‌های اخیر نیز محققانی مانند بلوکی و اخوت (۱۳۹۴)، پیوسته‌گر و همکاران (۱۳۹۶) و زارعی و میردهقان (۱۳۹۵) نتایج مطالعات خویش درباره معماری و شهرسازی یزد را منتشر کرده‌اند که حائز اهمیت است. «بررسی میزان تأثیر فقه و قوانین اسلامی بر ساختار محله‌ها و سازه‌های مسکونی بافت تاریخی شهر یزد»، نیز عنوان مقاله‌ای است که بر محله گلچینان این شهر متمرکز است (کریمی‌ان و عزیز، ۱۳۹۷: ۲۰۵-۲۲۰؛ عزیز، ۱۳۹۴). همچنین است پژوهشی که در آن به بررسی تأثیر مذهب بر فضاهای معماری شهر یزد (کریمی، ۱۳۹۵) و «تأثیر فقه و قوانین اسلامی بر سازمان فضایی محله فهادان شهر یزد» (حسینی رحمت‌آبادی، ۱۳۹۰) پرداخته شده است. از دیگر مطالعات انجام شده درباره بافت تاریخی محله زرتشتیان یزد پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی خانه‌های زرتشتیان یزد» است که میترا رئیسی تدوین کرده است (رئیس، ۱۳۷۵). به علاوه، کتابی با عنوان **تجلی باورها در خانه‌های زرتشتیان یزد**، توسط طاهره شیشه‌بری و سیداحمد سید عزیززاده به نگارش در آمده است. (شیشه‌بری و سید عزیززاده، ۱۳۹۲)



تصویر شماره ۱: موقعیت محله دستوران نسبت به محلات و زیر محلات شهر یزد؛ مأخذ: مهندسان مشاور شمشه یزد، ۱۳۸۵: ۸۴

چارچوب نظری  
محله دستوران

با استناد به منابع تاریخی می‌توان دریافت که بعد از حمله اعراب، زرتشتیان یزد به تدریج به بیرون از حصارهای شهر نقل مکان کرده یا به اجبار رانده شده‌اند. در بعضی منابع قرون اولیه اسلامی، صرفاً وجود مکان‌هایی چون قلعه مجوس در یزد تأیید شده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۹۷، **حدود العالم**، ۱۳۶۲: ۱۳۶). اشارات تاریخی، حضور زرتشتیان در یزد را به طور قطعی تا زمان کتابت **تاریخ یزد** - تحریر به سال ۸۴۵ هجری - به اثبات می‌رساند. در این اثر، در توضیح دو قنات «ابر و

## ۱. گهنبارخانه، آتشکده و آتش بهرام

آتشکده‌های زرتشتیان به ترتیب اهمیت بر سه دسته‌اند: «آتش دادگاه»، «آتش آدران» و «آتش بهرام». آتش دادگاه در خانه افروخته می‌شود و استفاده خانوادگی دارد و مراسم تقدیس ندارد. معمولاً زرتشتیان متمکن در خانه‌های خود آتش دادگاه را شعله‌ور نگه می‌دارند و برپایی آن بر عهده موبدان است. آتش آدران (درب مهر) از آتش دادگاه برتر است و اختصاص به محله و شهر دارد. آتش ورهرام (بهرام) اعتبار و اهمیتش از دو آتش فوق به‌مراتب بیشتر است و پیوسته باید افروخته بماند. این آتش از پانزده آتش گوناگون و آذرخش آسمانی (یعنی جمعاً شانزده آتش) و یا اخگر آتش اجاق متعلق به نمایندگان هر طبقه اجتماعی<sup>۱</sup> به وجود می‌آید و آن را طی تشریفات مفصل تطهیر و تقدیس می‌کنند<sup>۲</sup> (بویس، ۱۳۸۱: ۹۲). آتش بهرام در دوره هخامنشی نیز با عنوان «آتر ورثرغنه» یعنی «آتش پیروزگر» شناخته می‌شد<sup>۳</sup>. درباره اهمیت آتش بهرام در حیات موجودات<sup>۴</sup> و نیز آبادانی زمین‌ها<sup>۵</sup> و شهرها توضیحات متعددی آمده است: به عنوان مثال: در باب سی و نهم **صد در نثر**، چنین آمده است: «آتش بهرام را که در شهری یا در دهی نهاده باشند نیکو باید داشتن و به شب یکبار بر باید افروختن و بروز دو بار چه اندر دین پیدا است که آتش بهرام نبودی هیچکس از شهری به شهری نتوانستندی شدن زیرا که از خوره آتش بهرام است که در راه‌ها کس بر کس زیادتی نتواند کردن» (مودی، ۱۹۰۹). در بند ۱۷ از «صد در بندهشن» و همچنین در کتاب **روایت پهلوی** بند ۳۸، نیز به ضرورت وجود آتش بهرام و تقدیس آن در خانه‌ها و شهرها اشاره شده و آن را دور دارنده پلیدی‌ها و آفت‌ها می‌داند (مودی، ۱۹۰۹؛ میرفخرایی، ۱۳۶۷). اگرچه در بخش ۴۲ از کتاب **ماتیکان هزار دادستان**، جابه‌جایی آتشگاه برای بهتر شدن جایز دانسته شده است (عریان، ۱۳۹۱: ۳۷۱)؛ لیکن کشتن آتش<sup>۶</sup> و یا بی‌احترامی<sup>۷</sup> به آن نیز در دین زرتشتی گناه بزرگی محسوب می‌شود و برای آن مجازات‌هایی تعیین شده است. درباره مکان مناسب آتش در خانه یا آتشگاه، در «روایت پهلوی» اشاره شده است که: «...آنکس که نزدیک آن نشیند، پس نباید به سوی آتش سخن گوید و اگر گوید پس باید چیزی بر دهان و بینی فراز گیرد، بدانسان که از دهان و بینی بیاید، به آتش نرسد» (میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۹۰). بنابراین، مکانی که آتش مقدس در آن قرار دارد باید از نفس نیایشگران در امان باشد و نگهبان آتش نیز به هنگام برافروختن آن باید پارچه‌ای (که **پنام** نام دارد)، بر دهانش بسته باشد.

امروزه آتش ورهرام شهر یزد در «گهنبارخانه» محله دستوران نگهداری می‌شود. گهنبارخانه یک مجموعه مذهبی عمومی<sup>۸</sup> است و شامل آتشکده، یزشنگاه، یک فضای شش پسکمی (شش صفا‌ای)، سه انبار یا آشپزخانه برای تهیه تدارک مراسم‌ها، اتاق خاکسترها و فضاهای دیگر است (نصاویر ۳، ۴، ۵). جهت ساختمان شمالی-جنوبی است و کف آن تماماً با قلوه سنگ فرش شده است. همان‌طور که در تصویر شماره ۳ دیده می‌شود، این مجموعه شامل

مبارکه» آمده است که آب این قنات‌ها در محله «مجوسیان» به یک نقطه می‌رسد (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۵۱). همچنین احمد کاتب در **تاریخ جدید یزد** (قرن نهم هجری) ذیل معرفی باغ‌های نعیم‌آباد به محله «مجوسیان»، خلف خانعلی (پشت خانه عمری) اشاره نموده است (کاتب، ۱۳۴۵: ۲۲۰). چنان‌که در منابع تاریخی آمده است، هجوم تیمور و تشدید مصائب زرتشتیان در خراسان و حوزه شمالی ایران، نخبگان روحانی این اقلیت را بر آن داشته تا به مناطق امن‌تری چون یزد و کرمان پناه آورند (شهمردان، ۱۳۳۶؛ یزدگردی، ۱۳۹۳: ۳۷). بعد از این مهاجرت، مصائب ایشان تشدید شده، چنان‌که انتقال اجباری موبدان ترک‌آباد به حوزه شهری در دوره افشاریه، با هدف دسترسی آسان بدیشان صورت پذیرفت (تشرکری، ۱۳۹۳: ۳۸).

## فضاهای مذهبی در محله دستوران

شهرسازی و آباد کردن شهر از اموری است که در دین مزدیسنا به آن سفارش شده و انجام آن‌را در زمرة پنج ستایش زمین می‌دانسته‌اند؛ چنان‌که در ساخت بنا و آبادانی زمین در بند ۷۷، از متن **صد در بندهشن** آمده است: «اندر دین گوید که پنج خرمنی و رامش و ستایش زمین را هست. یکی آنکه مردم نیک کردار پرهیزگار بر وی خانه سازند و آبادانی کنند... و سیوم آنکه دار و درخت نشانند و آبادان دارند» (مودی، ۱۹۰۹). آنچنان‌که گفته شد، زرتشتیان در بیرون از حصارهای شهر برای خود محلاتی داشتند که یکی از آنها محله دستوران است. اگرچه فضاهای شهری محله دستوران نیز در متابعت از این قوانین کلی حاکم بر شهر اسلامی یزد شکل گرفت؛ لیکن به دلیل زرتشتی نشین بودن آن، واحدهای معماری مختص به این دین، نظیر آتشکده، پرسشخانه، اورویسگاه یا یزشنگاه، برشنومگاه، پتت‌خانه، کده، گهنبارخانه، پیرانگه و دخمه نیز در آن ایجاد شد که توزیع مکانی آنها در تصویر شماره ۲ مشخص و در ادامه به معرفی و توضیح آنها پرداخته شده است. از آنجا که شکل یابی فضاهای مورد بحث، متأثر از دستورات دین زرتشت بوده است، در هر مورد احکام و ضرورت مذهبی احداث آن به اختصار آورده شده است.



تصویر شماره ۲: توزیع مکانی آثار معماری مختص به دین زرتشت در محله دستوران یزد: ۱. گهنبارخانه (شامل آتشکده، یزشنگاه) ۲. محل پرسشخانه (تغییر کاربری ۵۱۵) ۳. برشنومگاه (تغییر کاربری ۵۱۵)



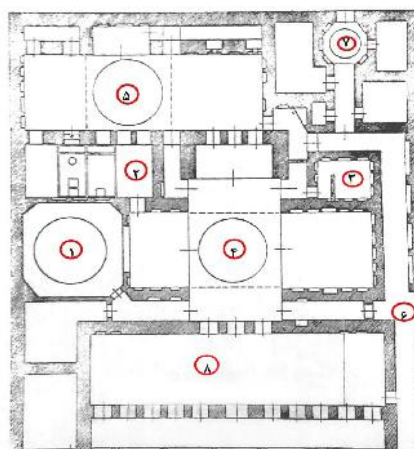


تصویر شماره ۵: مجمر آتش مقدس بر روی یک پایه سنگی، گهنبارخانه یزد، مأخذ: نگارندگان

## ۲. یزشگاه و آیین یزشن

آیین یزشن<sup>۱۳</sup> یکی از مهم ترین و اساسی ترین آیین های دین زرتشتی به شمار می رود.<sup>۱۴</sup> واژه «یزشن» از ریشه «یز» به معنی ستودن، پرستیدن و دعا کردن است (Modi 1922: 266). در اوستا نیز این واژه به صورت «یستتا»<sup>۱۵</sup> آمده که معلوم نیست منظور ذبح نمودن گاو و گوسفند بوده یا بخشیدن آنها در راه خدا (پوردادوود، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۱۷). هدف از برگزاری آیین یزشن در ایران و بجنه<sup>۱۶</sup> در هند، کمک به برقراری «اشا» یا همان نظم جهانی است (لطیف پور، ۱۳۹۰: ۱۶۴). در مراسم یزشن در ایران، در حقیقت نظم آیین با نظم خلقت [اشا] مرتبط است. نظم مراسم از ابتدا تا انتها، به نوعی، هدفی را برای حفظ نظم کلی جهان آشکار می کند. مهم ترین عناصر در برگزاری این آیین، آتش، هوم/ سومه<sup>۱۷</sup>، خواندن سرودهای مقدس و قربانی است. حضور آتش در مراسم یزشن از اساسی ترین ارکان مراسم است. موبد اصلی همواره در حین برگزاری آیین به سمت آتش بر می گردد و بسیاری از دعاها را به سوی آتش می خواند. آتش مراسم باید بسیار مطهر باشد و با سایش قطعات چوب یا سنگ به یکدیگر به وجود می آید. مراسم کوبیدن گیاه هوم و تهیه نوشیدنی از آن یکی از مهم ترین بخش های مراسم یزشن است. قربانی کردن گاو و گوسفند نیز جز مراسم بوده که امروزه دیگر انجام نمی شود و قربانی، غیر خونین (همان هوم) است. تا صد سال پیش در هند در این مراسم انسان را نیز قربانی می کردند (لطیف پور، ۱۳۹۰: ۱۶۶). آنچه در این مراسم خوانده می شود، یسنا، بخشی از کتاب مقدس اوستا است. در گذشته هشت تن از موبدان یا پیشوایان در اطراف اورویسگاه در جایی معین می نشستند و رسومی چون فشردن هوم در هاون، افروخته داشتن آتش و شست و شوی ابزارها و... را انجام می دادند. امروزه از هشت موبد<sup>۱۸</sup> تنها دو نفر آنها (زوت و راسپی) عهده دار این مراسم اند (نوابی و جاماسپ اسما، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ۴۵-۳۵). در نامه پهلوی نیونگستان، فرگرد ۲۷ جای هر یک از این موبدان به هنگام یزشن مشخص گردیده است (پوردادوود، ۱۳۱۲). در تصویر شماره ۶ بر اساس توصیفاتی که در این نامه آمده، محل قرار گرفتن موبدان یزشنگر نشان داده شده است.

یک تالار بزرگ در ضلع جنوبی، فضای آتشکده و یک حیاط با چهار اتاق سه دری در چهار سوی آن (محل زندگی آتشبند<sup>۱۹</sup> در آتشکده) و بخش های دیگر است. علی رغم جایگاه ویژه عبادی این مجموعه در بافت تاریخی شهر یزد، ساده و فاقد تزئینات وابسته به معماری است. جکسن که در دوره قاجار از یزد دیدن کرده است، آتشکده محله دستوران را چنین توصیف می کند: «بنایی ساده و بی پیرایه بوده<sup>۲۰</sup> که از صورت ظاهر و در ورودی آن به هیچ وجه تشخیص داده نمی شده است. چرا که اسلام اجازه اینکار را نمی داده که پرستشگاه ها یا دیرها سر برافرازند» (جکسن، ۱۳۶۳: ۲۱۱). در توصیف آتش این آتشکده گفته شده که از آتشکده «ناهید پارس» به آتشکده «هفتاد و هفت آذر» (هفتاد<sup>۲۱</sup>) و سپس به «ترک آباد» در نزدیکی اردکان آورده شده تا آنکه به علت تعصب و ورزی مسلمانان به غاری در کوه های عقدا موسوم به «اشگفت یزدان» منتقل گردید و سرانجام به شهر یزد آورده شد (افشار، ۱۳۷۴: ۲۱۸)؛ لیکن به دلیل محدودیت هایی که شامل حال اهل ذمه بود، از جمله آنکه: «حق ندارند برای خود کنیسه یا عبادتگاه بسازند» (رضی، ۱۳۹۴: ۴۲)، این آتش در خانه «دستور» محله دستوران یزد نگهداری می شد تا آنکه در دوره ناصری (به تاریخ ۱۲۲۵ یزدگردی) متعاقب فرمان ناصرالدین شاه مبتنی بر لغو جزیه و عدم هر نوع آزار و اذیت نسبت به زرتشتیان به مجموعه مذهبی گهنبارخانه منتقل و بعدها<sup>۲۲</sup> آتشکده فعلی احداث شد و این مجموعه نیز گسترش یافت.



تصویر شماره ۳: پلان گهنبارخانه یزد، از مقاله گردگروپ؛ مأخذ: به نقل از افشار، ۱۳۵۴



تصویر شماره ۴: اتاقی در گهنبارخانه که در آن خاکسترو آتش مقدس را نگهداری می کنند، مأخذ: نگارندگان

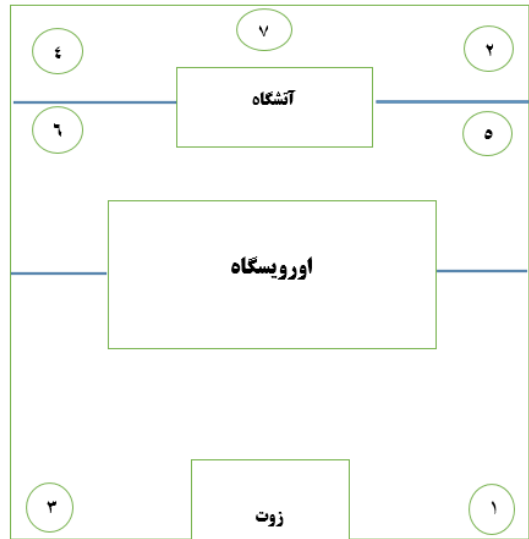
### ۳. پرسشخانه (خانه زاد و مرگ) و احکام مربوط به بعد از مرگ

مطابق دستور دین زرتشت در هر استقرارگاه زرتشتیان، ایجاد فضایی با عنوان خانه زاد و مرگ (پرسشخانه) از ضروریات بوده و در این مکان بود که از نوزادان و همچنین متوفیان به طور دقیق آمار گرفته می‌شد. این مکان به دو قسمت مجزا تقسیم می‌شده و هر قسمت برای هر یک از اعمال مذهبی مختص زاد و ولد یا مرگ و میر اختصاص داده می‌شد که هر کدام ورودی مجزایی داشت. به محض اینکه یک زرتشتی فوت می‌کرد، لازم بود که قبل از دخمه سپاری، جسد را به پرسشخانه بیاورند تا «داد پزشک» پس از معاینه و انجام آداب دینی<sup>۲۴</sup>، به خویشان و بستگان شخص متوفی اجازه دخمه نهادن کالبد را بدهد (شهزادی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). در این مکان جسد به مدت سه روز روی سکوی سنگی نگهداری می‌شد تا شاید مرده دوباره زنده شود. در پرسشخانه مرده را «سگ دید»<sup>۲۵</sup> نیز می‌کردند. بنا بر باور دینی ایرانیان، سگ زَرین گوش، روان درگذشتگان را به هنگام گذر از پُل چینود همراهی می‌کند و همچنین دیوان را از انجام دادن ستم ناروا و بیش از اندازه به روان بد کرداران و دروندان باز می‌دارد (مزدایبور، ۱۳۷۸: ۲۲۱). امروزه پرسشخانه یزد که در محله دستوران در خیابان خلف خانعلی وجود داشته تعمیر و تجدید ساختمان شده، اما فعالیت گذشته خود را ندارد.

### ۴. دخمه و احکام مربوط به دفن مردگان

از دیگر فضاهای مورد استفاده زرتشتیان دخمه<sup>۲۶</sup> و استودان (استخوان دان) است. از آنجا که پیروان این دین مخالف خاکسپاری یا دفن مرده‌های خود بوده و بر این باورند که امر خاکسپاری مردگان گناهی است که زاده اهریمن است<sup>۲۷</sup>، مردگان خود را در دخمه (برج خاموشان) - که با دیوارهای بلند ۲۸ بر فراز کوهی ساخته شده بود<sup>۲۹</sup> - قرار می‌دادند (تصویر شماره ۸). در فرگرد ششم و نندیداد، بند ۴۹ تا ۵۱ نیز چنین آمده: «... ای دادار جهان، استخوان‌های مردگان را به کجا باید برد و در کجا باید گذاشت؟ اهوره مزدا پاسخ داد: مزداپرستان باید استودانی بسازند در جای که آب باران نایستد. آنان باید اگر بتوانند استودانی با سنگ و ساروج و خاک بر پا کنند و اگر نتوانند باید پیکر مرده را زیر تابش ستارگان و ماه و خورشید، برهنه ۳۰ روی فرش و بالشی که از آن او بوده است، بر زمین بگذارند» (دارمستتر، ۱۳۸۴: ۱۴۰). سادگی این رسم نیز با طبیعت کلی پیام نهفته در زرتشتی‌گری که همه آدمیان را در زیر آسمان، برهنه و یکسان می‌بیند، سازگار است (بویس، ۱۳۷۴: ۴۴۲-۴۴۰).

در فرگرد ششم، بند ۵۱-۴۹ و نندیداد همچنین به سازه‌ای به نام «اوزدان» - که احتمالاً همان استودان<sup>۳۱</sup> یا دخمه است - اشاره شده تا زمین آلوده و متعاقباً بدون استفاده رها نگردد<sup>۳۲</sup>. به همین دلایل زرتشتیان از برخورد مردگان خود با زمین و دفن آنها جلوگیری می‌کردند. گذاردن مردگان در دخمه‌هایی که دور از محل زندگیشان بود و همچنین ساختن دخمه



تصویر شماره ۶: ۱- جایگاه هاونان ۲- آتروخش ۳- فربرتاد ۴- آبرت ۵- آسننار ۶- راسپی ۷- سروشاووز، ترسیم: نگارندگان

آتشگاه، اورویسگاه و جایگاه زوت از مهم‌ترین فضاهای یزشنگاه محسوب می‌شوند. اورویس به معنی گردش است و اورویسگاه جایی است که در آن «یزشن» کنند. در اوستا شاید مفهوم «انجمن سوگند» را داشته باشد. «اوروئه» به معنی «برگزیده»، از واژه «وَر» به معنی یار و همکار سوگند آمده است (رضی، ۱۳۶۳: ۲۹۲). در یشت ۱۲ اوستا، بند سوم آمده است: «اهورامزدا می‌گوید، باید از طرف «انجمن سوگند»، برای اجرای مراسم (اورا)، برسم به دست به سوی خورشید بایستی و به فراخوانی و ستایش من بپرداز. آنگاه آنکه «وَر» درباره‌اش اجرا می‌شود، به آتش، برسم، وَر روغن و فشرده گیاهی آزموده شود»<sup>۳۳</sup> (پوردادود، ۱۳۱۲: ۲۹۴). طی مصاحبه‌های شفاهی<sup>۳۴</sup> و همچنین بر اساس سفرنامه جکسن<sup>۳۵</sup>، موقعیت این عبادتگاه در شهر یزد شناسایی و تصاویری از آن تهیه گردید. این مکان با پلان مستطیل شکل در ضلع شرقی «اتاق آتش وهرام» قرار دارد که امروزه محل نگهداری ظروف آیینی<sup>۳۶</sup> است (تصویر شماره ۷). این اتاق، که توسط جکسن نیز توصیف شده<sup>۳۷</sup>، با کف سنگی و شیارهای کف اتاق و چهارپایه‌های سنگی درون آن، از طریق درب ضلع جنوب غربی به تالار آتشکده متصل می‌شود. موبدان در مراسم یزشن، در شیارهای کف یزشنگاه، هوم را جاری می‌کردند.



تصویر شماره ۷: بخشی از فضای اورویسگاه در گهنبارخانه محله دستوران؛ مأخذ: نگارندگان

## Archive of SID

مرده‌ها را به دخمه منتقل می‌کرده‌اند و مکانی به نام کده وجود نداشته است (مصاحبه شفاهی)<sup>۳۶</sup>. بررسی‌های بیشتر برای مطالعه در این مورد ضرورت دارد.

### ۶. برشنومگاه<sup>۳۷</sup> (ناهن خانه)

زرتشتیان ایران برای مراسم «غسل کردن» واژه «اوریخت = آبریزی» را استفاده می‌کنند و برای معنای تطهیر، واژه «ناهن» را به کار می‌برند و غسل اصلی را «سدناهن» می‌خوانند، که این غسل را در خانه‌ها بدون تشریفات می‌توان انجام داد؛ اما برای مواقعی که آلودگی بیشتر باشد (شخص ریمن باشد)، بایستی آداب تطهیر مفصل‌تری مانند غسل «سی شور»<sup>۳۸</sup> انجام شود و چنانچه آلودگی در اثر تماس با نسو (مرده) ایجاد شود و یا به دلیل دیگری غسل ضرورت یابد<sup>۳۹</sup>، مراسم تطهیر مفصل‌تری صورت می‌گیرد که برشنوم، «برشنوم نه شبه» و یا حمام رفتن نه شبه<sup>۴۰</sup> نام دارد. در این گونه موارد نیز، به سبب وسعت نجاست، تطهیر اولیه یا «برشنوم» نه در خانه بلکه در «برشنومگاه» انجام می‌گرفت (بویس، ۱۳۷۴: ۴۱۸). غسل «سی شور»<sup>۴۱</sup> نیز در این مکان انجام می‌شد. شخص ریمن به هنگام اجرای مراسم برشنوم باید عمل «روی سنگ رفتن» را انجام دهد و پس از نوشیدن «نیرنگ»، روی سنگ‌ها با سه ماده پاک‌کننده گمیز و شن و آب طهارت نموده و سپس به برشنومگاه برود<sup>۴۲</sup>. برشنومگاه فضایی دایره‌ای<sup>۴۳</sup> بود به شعاع هفت متر با کف سنگ فرش و نفوذ ناپذیر<sup>۴۴</sup> و دیوارهای بلند و دو بخش که یکی شش جایگاه و دومی نه جایگاه داشت (هیرسد، ۱۳۹۳: ۱۲۳). این واحد در محلی دور افتاده، بایر و بی‌حاصل و دور از آب و آتش و بی‌گیاه و فاصله‌دار با آفریدگان بهمن و آدم پرهیزگار احداث می‌گردد و معمولاً با دیوار محصور است تا نجاست محدود بماند. برشنومگاه همواره بی‌سقف است تا نور تطهیردهنده و پاک‌کننده خورشید بدان بتابد. در یزد دوره قاجار «برشنوم‌خانه» در محوطه آتشکده در واقع بود. امروزه محل این برشنومگاه در محله دستوران در کوچه آتشکده، کوچه‌خانه پری قرار دارد. در سال ۱۳۶۳ این فضای مذهبی به دلیل استفاده نشدن به خرابه و زباله‌دانی تبدیل شده بود که به همت انجمن مرکزی زرتشتیان یزد به کوشک کودک تغییر کاربری داد (مصاحبه شفاهی)<sup>۴۵</sup>.

### ۷. پیرانگاه‌ها

گروهی دیگر از آثار معماری که در کالبد شهرهای زرتشتیان قابل رویت است، «پیرانگاه‌ها» هستند (تصویر شماره ۹). پیرانگاه‌ها در واقع حفره‌هایی هستند که به اشکال مختلف در دیوار کوچه‌ها ایجاد می‌شدند و در آن آتش روشن می‌کردند. معمولاً یک سکو در پایین پای این حفره‌ها ساخته می‌شد. درون این حفره‌ها را کاسه‌های کباره‌ای (سفالی) قرار می‌دادند و داخل آن را روغن ریخته و روشن نگه می‌داشتند. این روشن کردن آتش از دو جهت مفید بود: یکی اینکه آتش، دور دارنده

با سنگ به این سبب که سنگ آلودگی را منتقل نمی‌کرد، بهترین راه حل برای این احکام بود. حصار دخمه به وسیله لاشه سنگ ساخته می‌شد و چاه استودان در میان آن حفر می‌شد (تصویر شماره ۶). در ورودی آن سنگی بود و فقط دو نفر سالار اجازه ورود به دخمه داشتند. چنانچه برج خاموشی از مردگان پر شده و یا ویران می‌شد، «... تا تکمیل دخمه جدید، چون کسی بمیرد، سنگ‌های کوچکی بر سطح دخمه قدیمی و در یک کنج آن بچینید و با آیین‌های خاص جنازه را روی آن بگذارید.» (بویس، ۱۳۸۱: ۱۹۰)

بر پایه اسناد موجود، یکی از مشکلات زرتشتیان یزد، عدم جواز ساخت و تعمیر معابد، به‌ویژه ساخت «دادگاه» یا همان برج خاموشان بود (تشریحی، ۱۳۹۳: ۴۶). جدای از مخالفت متشرعان اسلامی<sup>۳۳</sup>، تفرق درونی جماعت و ناکارآمدی موبدان نیز مضاعف گردیده (اشیدری، ۲۵۳۵ شاهنشاهی: ۴۳۳) و آنچه‌آنکه مانع‌گسی در گزارش خود به انجمن زرتشتیان یزد آورده است، دخمه‌های یزد و شریف‌آباد ویران گشته بود تا آنکه پارسیان هند با ارسال مبالغ هنگفتی تحت عنوان «وجه امدادی» در صدد احداث دو دخمه برآمدند. (جکسن، ۱۳۶۳: ۴۴۵)



تصویر شماره ۸: دخمه خاموشان، مکان قرارگیری فوت شدگان زرتشتی مذهب، یزد.

### ۵. کده

مکان نگهداری مردگان در زمستان را کده<sup>۳۴</sup> می‌نامند. در این فصل که قرار دادن جسد در دخمه میسر نبود، زرتشتیان مرده‌های خود را در مکانی به نام «کده»<sup>۳۵</sup> نگهداری می‌کردند. چنان که در وندیداد، فرگرد پنجم، بند ۱۰ تا ۱۵، آمده است که مزدپرستان باید در هر کویی، «کده» برای نگهداری مردگان بسازند؛ چنان بزرگ که سرشان برافراشته، پاهای کشیده و دست‌های گشوده را نیازارد. در فرگرد هشتم، بند ۹ و ۱۰، وندیداد اشاره می‌کند: «هنگامی که پرنندگان به پرواز درآمدند و گیاهان روییدند و سیلاب‌ها روان شدند و باد، باید مردار را برگیرند و به ساختمانی که از سنگ و ساروج و خاک ساخته شده (دخمه) ببرند (دارمستتر، ۱۳۸۴: ۱۵۹). در مصاحبه‌های نگارندگان با موبدان زرتشتی معلوم گشت که در شهر یزد به دلیل اینکه هوا در زمستان نیز معمولاً آفتابی بود،



را همچنین مکان‌های یادبود شهدای زرتشتی که در برابر تجاوز بیگانگان ایستاده‌اند، دانسته‌اند. اکثر «پیرانگاه‌ها» در ایران برای بزرگداشت از جان گذشتگی زنان پارسا و شایسته و فداکار بنا شده‌اند تا آرمان ایشان گرمای داشته شود؛ مانند پیر سبز در یزد (خورشیدیان، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

اهریمن و شیاطین دانسته شده و با افروختن آتش در کوی و برزن پلیدی‌ها را از محله و شهر خود دور نگه می‌داشتند و دیگر اینکه نذورات خود را از طریق تامین روغن چراغ ادا می‌کردند و بدین طریق امید به گرفتن حاجات خود داشتند. این آتش همچنین روشنی بخش کوچه‌های تاریک در شب هنگام بود. پیرانگاه‌ها



تصویر شماره ۹: نمونه‌ای از پیرانگاه‌ها در محله دستوران؛ مأخذ: نگارندگان.

#### ۸. پاوی محل

پاوی<sup>۴۶</sup> جایی است برای پتت<sup>۴۷</sup> کردن در آیین زرتشت. پتت یا توبه را در پاوی یا پاوی محل (به معنی مکان پاک)، می‌خواندند. پتت واژه پهلوی برای توبه است که از واژه اوستایی پیتیتا<sup>۴۸</sup> به معنی (کفاره دادن و جبران کردن) مشتق شده و به معنی «چرخش به پشت» و «دوری جستن» و «بازگشتن» از گناه است. زرتشتیان در موارد خاصی که تصور کنند صفای جسم و روان لازم دارند، از توبه نامه‌ها استفاده می‌کنند؛ مثلاً هنگام بستن عقد ازدواج، آغاز سال نو، مراسم برش‌نوم<sup>۴۹</sup> و مراسم سه روزه اول پس از مرگ، پتت می‌خوانند (بویس، ۱۳۷۴: ۴۲۹-۴۲۸). زرتشتیان توبه را در محلی به نام «پاوی محل» انجام می‌داده‌اند. اجرای مراسم «پاوی محل» بر عهده «یوژداثرگر» یا روحانی جامع‌الشرایط است و او توبه را می‌خواند<sup>۵۰</sup>. از آنجا که در محله دستوران یزد مکان پاوی یافت نشد، برای اطلاعات بیشتر درباره فرم و ساختار پاوی محل به بررسی‌های بیشتری در دیگر محلات و روستاهای زرتشتی نشین یزد نیاز است.

#### ۹. بناهای وقفی

از جمله بناهایی که در کالبد و سیمای شهرهای زرتشتی ظاهر می‌شود، بناهای وقفی است که در بافت تاریخی به دو صورت به اجرا درآمده است. وقف گاه به منظور مراسم‌های گهنبار صورت می‌گرفت. گهنبارها نام شش جشن سالیانه است. در «گهنبار چهره» یا «گهنبار مَس (بزرگ)»، به‌دینسان برای ادامه پیدا کردن گهنباری که پایه‌گذاری می‌کنند، گاهی خانه، زمین یا دارایی

خود را وقف گهنبار می‌کنند تا درآمد آن صرف برگزاری مراسم و داد و دهش و خیرات شود. تأسیس بنیاد خیریه نیز که «اداره کردن آن همانند اداره کردن آتشکده است» (عریان، ۱۳۹۱: ۱۵۵) انجام می‌گرفت. به علاوه، وقف برای انجام مراسم یَرتشن نیز صورت می‌گیرد. شکل دیگر وقف به این صورت بود که شخصی که وارثی نداشت، شخص دیگری را به فرزند خواندگی می‌گرفت و مقداری از اموال خود را به او می‌بخشید و در اصطلاح وقف او می‌کرد. در محله دستوران یزد تعدادی فضای وقفی وجود داشت که در حال حاضر تغییر کاربری داده‌اند (مصاحبه شفاهی)<sup>۵۱</sup>.

#### نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش آن بود که مشخص گردد که در یک شهر زرتشتی نشین کدامیک از فضاهای شهری تحت تأثیر دستورات دین زرتشت ایجاد شده و کالبد شهر را متأثر ساخته‌اند. به علاوه، هدف آن بود تا معلوم گردد این سازه‌ها در پاسخ به کدامیک از ضروریات مورد تأکید دین زرتشت ایجاد شده‌اند. بدین منظور، پس از احصاء دستورات دینی ناظر بر احداث بناها در سکونت‌گاه‌های زرتشتیان، محله‌ای زرتشتی نشین از بافت تاریخی شهر یزد انتخاب و ضمن استفاده از منابع تاریخی، تحقیقات میدانی در آن به انجام رسید. در نتیجه این پژوهش‌ها، معلوم گردید اگرچه در دستورات دینی هیچ‌گاه به طور مستقیم به ضرورت ساخت چنین بناهایی نظیر یزشنگاه و پرسشخانه اشاره نشده، لیکن تمام بناهای مذهبی مورد مطالعه به طور غیرمستقیم با دلالت بر احکام دینی احداث شده بودند. در

پاسخ به این پرسش که کدام اصل دینی بیشترین تأثیر را بر فضاهای مذهبی شهری زرتشتی نشین داشته، باید گفت، یک اصل از نه اصول دین زرتشت<sup>۵۲</sup>، یعنی اعتقاد به «اشا» (Aša) یا «رتا» (Rata) را می‌توان مؤثرترین اصل بر معماری و شهرسازی زرتشتیان دانست. این اعتقاد منعکس کننده مفهوم نظم و راستی حاکم بر جهان است و همچنین سبب متواری شدن و نابودی اهریمنان می‌گردد؛ علاوه بر این، بازتاب‌دهنده اعتقاد به تقدس و پاک نگه‌داشتن چهار عنصر خاک و آب و باد و آتش است. در واقع، اعتقاد و احترام به عناصر چهارگانه مذکور باعث پدید آمدن احکام و آیین حفظ، نگهداری و نیایش آتش و متعاقب آن برپایی آتشکده‌ها و عناصر مرتبط با آن و شکل‌گیری پیرانگاه‌ها در فضاهای شهری شده بود. اساسی‌ترین اصل دین زرتشتی یعنی آیین یزشن و شکل‌گیری یزشنگاه‌ها در حقیقت برای وصول و برقراری نظم خلقت یا اشا بوده است. همچنین، احداث پرسشخانه، ساخت دخمه به وسیله سنگ و ساروج، ساخت استودان برای نگهداری استخوان مردگان و ایجاد برش‌نومگاه، همگی به منظور پیشگیری از آلودگی چهار آخشیح (آب و باد و خاک و آتش) بوده است. شکل‌گیری پتت‌خانه یا پاوی محل نیز برای بازگشت فرد به راه راست و آشویی بوده است. بخشی از اهداف انجام غسل سی‌شور و برش‌نوم در برش‌نومگاه، رعایت نکات پاکیزگی و احترام نسبت به آفرینش‌های گوناگون بوده است. به علاوه، ساخت برش‌نومگاه در جایی دور از آب و آتش و گیاه و با فاصله از آفریدگان، برای احترام به این اصل است. ایجاد کده‌ها برای نگهداری مردگان در زمستان نیز با هدف این بوده که آلودگی مرده به چهار آخشیح سرایت نکند. حاصل آنکه، هر یک از سازه‌های مذهبی در یک شهر زرتشتی نشین در اجرای اصلی از اصول مذهبی شکل گرفته و در ساخت آنها تلاش گردیده تا رفتار ساکنان با «اشا» یا نظم کیهانی، هماهنگ شود و دفع اهریمن و خشنودی اهورامزدا را در پی داشته باشد.

### پی‌نوشت

۱. Daštūrān: این محله از شمال به محله چهارکوجه و خیابان سلمان فارسی، از جنوب به خیابان آیت‌الله کاشانی، از شرق به خیابان چمران و از غرب به محلات لرد آسیاب و تل محدود است.
۲. در جمع کردن این آتش‌ها خود اخگر را از اجاق بر نمی‌دارند، بلکه در ظرفی دسته‌دار به نام چمچه که ته آن سوراخ‌های متعدد دارد یک تکه پنبه پاک می‌گذارند و بر آن پنبه چوب خوشبو که زود آتش می‌گیرد، می‌چینند و آن را روی شعله اخگر اجاق‌ها بی‌آنکه با آن تماس حاصل کند، نگاه می‌دارند تا از حرارت آن فروخته شود. این عمل را چندبار تکرار می‌کنند. سپس آتش‌ها را یک جا نموده پس از انجام مراسم تقدیس که یک ماه طول می‌کشد در آتشکده فروزان نگاه می‌دارند (شهمردان، ۱۳۳۶: ۲۰۹ و ۲۱۰).
۳. درباره قدمت بنیان مکانی به عنوان پرستشگاه برای پرستش و گرامیداشت شمایل خدایان، می‌توان گفت اردشیر پادشاه هخامنشی، نخستین پارسی‌ای بود که شمایل پرستی را باب کرد، وی تندیس‌هایی از آفرودیت را در شهرهای مهم شاهنشاهی قرار داد و ستایش آنها را بر مردم تکلیف کرد. با رایج شدن کیش شمایل‌پرذا، ساخت

۴. درباره اهمیت نشان‌اند آتش بهرام در «روایت پهلوی» آمده که زرتشت از اهورامزدا پرسید: جهان بهتر است یا آتش؟ و اهورامزدا پاسخ داد آتش. بدین روی که اگر آتش بهرام نمی‌بود، جهان را سامان دادن نمی‌بود (میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۳۸) و در «صد در بندهشن»، بند ۲۱، آمده که «دین مزدیسنان پیدا است که دادار اورمزد گفت دو چیز است که قیمت و ارج نشاید گفتن یکی مرد اشو و آتش وهررام» (مودی، ۱۹۰۹).
۵. در بند یک تا ۱۳ کرده چهارم، «مینوی خرد» در پرسش دانا از مینوی خرد، که کدام زمین شادتر است؟ وی پاسخ می‌دهد که آن زمین شادتر است که خانه آتش‌ها (= آتشکده‌ها) را در آن سازند ... و زمینی که پرستش و آمد و شد ایزدان و نشست نیکان در آن باشد (تفضلی، ۱۳۵۴: ۱۸).
۶. در بند ۱۹ «صد در بندهشن» آمده است که: «... اگر بگذارند [آتش] بمیرد هشتاد استیر گناه باشد (۲) و آتش وهررام که بگذارند تا بمیرد و اگر قصد و بی‌قصد اگر صد هزار کرفه کرده باشد آنکس را مرگزان و دوزخی بود (۳)» (مودی، ۱۹۰۹).
۷. درباره مجازات شخصی که به آتش بی‌احترامی بکند در بند ۳۷، ارداویراف نامه آمده است: «... دیدم روان مردی چند که نگون سر در دوزخ آویخته بودند که همه تن آنها را مار و کژدم و دیگر جانوران موذی همی‌جوئند. پرسیدم که این تن کدام مردمانند سرش و آذر ایزد گفتند که این روان آن مردمان است که در گیتی آب و آتش نپرهیختند و ریمنی در آب و آتش بردند (یاسمی، ۱۳۱۴).
۸. این مجموعه در خیابان آتشکده، کوی رستم، خیابان خلف‌خانعلی قرار دارد.
۹. شخصی که موظف است هر صبح و ظهر و شام برای آتش آتشکده هیزم بگذارد تا خاموش نشود. از وظایف دیگر آن است که بر آتش اوستا بخواند.
۱۰. جکسن داخل بنا را بدین صورت شرح می‌دهد: «... قبل از اینکه به اتاق اصلی پرستشگاه برسیم، لازم بود از چند راهرو و اتاق انتظار بگذریم. و همه آنها برای آن بود که قسمت اصلی آتشگاه از آلودگی و بی‌حرمتی مصون بماند. ... در قسمت عقب این اتاق تالار بزرگی بود که در مواردی مثل گاهنبارها، جشن فروردین، روزهای تاریخی یا مراسم خاص که عده زیادی از زرتشتیان به نیایش می‌آمدند، مورد استفاده قرار می‌گرفت (جکسن، ۱۳۶۳: ۲۱۲).
۱۱. نزدیک عقدا از توابع یزد واقع است.
۱۲. در نتیجه تلاش‌های پارسیان هند به‌ویژه مانکجی، زرتشتیان ایران از حقوق اجتماعی و مدنی برخوردار شدند و توانستند آتشکده را برپا کنند (رضی، ۱۳۹۴: ۸۹). ساختمان کنونی آتش وهررام یزد، در آبانماه ۱۳۰۳ یزدگردی توسط انجمن زرتشتیان اکابر پارسیان هندوستان نهاده شد.
۱۳. Yazīšn
۱۴. آیین یزشن در ایران سال‌هاست برگزار می‌شود که شکلی محدود است؛ اما در میان پارسیان هند، آیین یزشن هنوز آیین زنده‌ای است.
۱۵. Yašta
۱۶. آیین یزشن در هند «یجته» نام دارد که دارای پیشینه مشترک هستند.
۱۷. هوم نام نوشابه‌ای مقدس بود که دینداران زرتشتی در زمان‌هایی ویژه می‌نوشیدند. در دین مزدیسنا مؤید مأمور تهیه شربت هوم، هاوان نام داشته است.



۳۶. مصاحبه شفاهی با موبد فریبرز شهزادی (متولد ۱۳۲۵). در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۱ و موبد پرویز مالی (متولد ۱۳۳۰) در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۰.

۳۷. برش‌نوم واژه‌ای در فارسی میانه، که از واژه اوستایی «برشنو» به معنی بالا/سر، مشتق شده است. به مکانی که در آن تظهير صورت می‌گیرد «برش‌نومگاه» (Barsnumgah) گویند.

۳۸. سی شور یک روزه انجام می‌شد. شستن سی نقطه از بدن، از بالای سر تا نوک انگشتان با سرایش قسمتی از اوستا انجام می‌داد (هیرید، ۱۳۹۳: ۱۲۲).

۳۹. برش‌نوم، گاهی برای شخصی که می‌خواهد به جرگه روحانیت بپیوندد و موبد شود و به اصطلاح «نوزوت» شود، انجام می‌شد.

۴۰. نام دیگر آن «نُشوه» است. موبدانی که نوزوت می‌شدند نیز ملزم به نشوه رفتن و سی شور بوده‌اند.

۴۱. در این غسل شخص ریمن، بعد از نوشیدن «نپرنگ»، خود را نُه بار با گمیز، شن و آب شست و شو می‌دهد.

۴۲. مانند مراسم «سی شوری» موبد اینها را از سر تا پا شست و شو می‌دهد. آنگاه لباس سفید «گستی» تازه بر تن کرده و به خلوتی که برش‌نوم‌خانه یا «ناهن‌خانه» نامیده می‌شود، نُه شبانه‌روز در تنهایی به سر می‌برد. این غسل‌ها «نه شوی» نام دارد و در هوای آزاد یا زیر سقف انجام می‌گیرد (بویس، ۱۳۷۴: ۴۱۸-۴۲۲).

۴۳. سنت حکم می‌کند که همیشه به صورت دایره باشد تا گوشه تاریکی که پلیدی بتواند در آن کمین کند، وجود نداشته باشد.

۴۴. این محوطه را با ایجاد یک رشته شیارها [=کش‌ها] روی زمین همراه با زرمزه اوستا فراهم می‌کنند تا نجاست و پلیدی در آن محصور بماند. در گذشته نُه «مغا» (Magha) [مغا=گودال] در این محوطه می‌کنند. شخص ریمن در یکی از آنها چمباتمه می‌زد.

به تدریج که پاک می‌شد و تظهير می‌یافت از این گودال به آن گودال می‌رفت. بعدها گودال منسوخ شد و جای آن را نه سنگ بزرگ که روی سطح زمین می‌گذارند، گرفت (بویس، ۱۳۷۴: ۴۱۸-۴۲۲).

۴۵. مصاحبه شفاهی با آقای وحید ذوالفقاری در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۰ (یزد پژه). Pavi. ۴۶

۴۷. پت (Petit) به معنای توبه، استغفار، پشیمانی (مکنزی، ۱۳۷۳: ۱۲۵).

۴۸. Paitita

۴۹. برش‌نوم (Barsnum): مهم‌ترین مراسم شست‌وشوی مذهبی زرتشتیان (مکنزی، ۱۳۷۳: ۵).

۵۰. در این هنگام موبدان پارسی لباس سفید می‌پوشند و بینی و دهان را با «پیتی دن Psitidana» که پارچه پنبه سفید است، می‌بندند تا نفس، به اشیاء تقدیس شده نخورد. آنگاه آنچه را که از آفرینش‌های گیاهی و حیوانی به آتش و آب، پیشکش می‌کنند (بویس، ۱۳۷۴: ۴۲۹-۴۲۸).

۵۱. مصاحبه با موبد پرویز مالی (متولد ۱۳۳۰) در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۰.

۵۲. این اصول عبارت‌اند از: ۱. ایمان به وحدت خدا ۲. ایمان به پیامبری زرتشت ۳. باور به جهان مینوی و عالم معنا ۴. ایمان به نظم و راستی کار جهان (اشا) ۵. باور به جوهر آدمیت ۶. اعتقاد به فوزه‌های هفتگانه ۷. اعتقاد به نیکوکاری ۸. اعتقاد به تقدس عناصر چهارگانه (آب و باد و خاک و آتش) ۹. اعتقاد به فرشگرد آخرالزمان.

۱۸. نام این موبدان در اوستا چنین آمده: زوئتر، هاونن، آتروخش، فربرتر، آیرت، آسانتر، رثوشکر، سرئوشاور.

۱۹. در خصوص اینکه اجراکنندگان مراسم چگونه آماده می‌شوند، توضیحاتی ارائه نشده است.

۲۰. مصاحبه شفاهی با دکتر وحید ذوالفقاری، یزد پژه، در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۰.

۲۱. او این محل را چنین توصیف می‌کند: «... اتاق دیگری در جنب آتشگاه بود که به مثابه یک «ایزشنه‌گاه» بود که باری با انجام مراسم دینی و نیایش موبدان از اتاق‌های دیگر تفکیک شده بود. کف آن را از سنگ ساخته و ساروج کرده بودند و در اطراف محلی که موبد هنگام فرایض و مناسک دینی می‌نشست، یک سلسله باوی (ناو) یا کش (شیار) کوچکی احداث کرده بودند تا از بقیه کف اتاق مشخص باشد (جکسن، ۱۳۶۳: ۲۱۱ و ۲۱۲).

۲۲. آلات و ابزارهایی که برای مراسم دینی به کار می‌رود را در اورویسگاه بر جای می‌گذارند.

۲۳. این اتاق بخشی از یزشنگاه است امروزه در یزشنگاه به غیر از ظروف مخصوص نیایش تمام اجزا و عناصر دست نخورده باقی مانده است.

۲۴. سنگ بزرگی در وسط اتاق مخصوص مردگان قرار داشته که پاک شورها (مرده شورها) مرده را روی آن قرار داده و غسل می‌کردند و بعد از آن نماز میت می‌خواندند؛ مصاحبه شفاهی با آقای وحید ذوالفقاری، در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۲۰.

۲۵. به اعتقاد زرتشتیان، سگ، پاسبان درگذشتگان است و از کالبد و تن درگذشتگان در برابر تازش دیوان و ددان پاسبانی می‌کند. رسم سگ دید عبارت بود از آوردن سنگی بر بالین محتضر یا مرده و نشان دادن جسد به سگ و مالیدن پوزه به آن جسد. زرتشتیان اعتقاد داشتند که زمانی که جان از بدن خارج می‌شود، نسوش (دیوی) که بر اجساد آدمی دست می‌یابد و آن را پلید می‌سازد، بر وی هجوم برد و هنگامی که سگ آن جسد را ببیند، نسوش رانده می‌شود (مه‌دوی، ۱۳۷۹: ۴۰؛ مصاحبه شفاهی).

۲۶. واژه دخمه (صورت بازمانده Dafma به معنای دفن کردن) در اصل به معنای گور بوده است (بویس، ۱۳۸۱: ۳۷).

۲۷. در ونیداد، فرگرد یکم، کرده ۱۳، چنین آمده است: «پس آنگاه اهریمن همه تن مرگ بیامد و به پتیارگی، گناه نابخشودنی (خاک‌سپاری مردگان) را بیافرید» (دارمستتر، ۱۳۸۴: بویس، ۱۳۸۱: ۷۱)

۲۸. دیوارهای بلند برج‌های خاموشی هم مردگان را از خطر بی‌حرمتی مصون می‌داشت و هم از احتمال رنج مسلمانان - که همواره مخالف اهل ذمه بودند- جلوگیری می‌کرد (بویس، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

۲۹. در ونیداد به چگونگی برخورد با جسد اشاره شده است. در فرگرد ششم، بند ۴۵-۴۴، زرتشت از اهورامزدا چنین می‌پرسد: «...ای اهوره مزدا!... پیکر مردگان را در کجا باید گذاشت؟ اهوره مزدا پاسخ داد: ای زرتشت برفراز کوه، در جایی که سگان و پرندگان مردار خوار به سر می‌برند» (دارمستتر، ۱۳۸۴).

۳۰. پیکر مرده باید چندان در دخمه بماند که باران بر آن و بر همه دخمه فرو بارد، بازمانده‌های چرکین را فرو شویند و پرندگان، مردار را بخورند.

۳۱. طبق نظر خانم مری بویس نیز، منظور از اوزدان همان «استخوان‌دان یا استودان» است (بویس، ۱۳۷۴: ۴۴۲).

۳۲. به اعتقاد زرتشتیان، برخورد نسو (جسد مرده) با زمین، آن را آلوده کرده و باید آن زمین را بدون استفاده رها می‌کردند (همان).

۳۳. برای نمونه رک. علامه مجلسی، نسخه خطی.

۳۴. Kade

۳۵. کده (Kadag): خانه، کده (مکنزی، ۱۳۷۳: ۹۵).

## فهرست منابع و مراجع

## Archive of SID

۲۰. خورشیدیان، اردشیر (۱۳۸۷). **پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان**. نشر فروهر، چاپ اول: ۱۳۸۶، تهران.
۲۱. دارمستر، جیمس (۱۳۸۴). **وندیداد (مجموعه قوانین زرتشت)**. ترجمه موسی جوان، نشر دنیای کتاب. چاپ اول: ۱۳۸۲.
۲۲. رئیس‌سی، میترا (۱۳۷۵). «بررسی خانه‌های زرتشتیان یزد»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
۲۳. رشیدی، سعدالدین، بی‌تا. **شهرسازی و طراحی شهر در ایران**. انتشارات اتحادیه شهرداری‌های تهران.
۲۴. رضی، هاشم (۱۳۹۴). **تاریخ زرتشتیان ایران (مانکچی لیمچی هاتریا، اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان در دوران قاجار)**. انتشارات بهجت، تهران.
۲۵. رضی، هاشم (۱۳۶۳). **اوستا**. نشر سازمان انتشارات فروهر، تهران.
۲۶. زارعی، محمد ابراهیم و میردهقان، سید فضل‌الله (۱۳۹۵). «نقش الگوی حیاط مرکزی در تعدیل شرایط سخت اقلیم گرم و خشک، منطقه یزد»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**. تهران: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، دوره ششم، شماره ۲۲، صفحه ۵۱-۶۶.
۲۸. ستوده، منوچهر (۱۳۶۲). **حدودالعالم من المشرق الی المغرب**. انتشارات طهوری، تهران.
۲۹. سرانی، محمد حسین (۱۳۸۹). «تحولات بازارهای ایرانی-اسلامی؛ مطالعه موردی: بازار یزد»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**. تهران: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، دوره اول، شماره ۲، صفحه ۲۵-۳۷.
۳۰. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۰). **فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران**. دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران.
۳۱. شهزادی، رستم (۱۳۸۰). **مجموعه سخنرانی‌های موبد موبدان رستم شهزادی**. نشر مهرانگیز شهزادی، تهران.
۳۲. شهرمدان، رشید (۱۳۷۲). **خرده اوستا**. انتشارات فروهر، تهران.
۳۳. شهرمدان، رشید (۱۳۳۶-۲۲۶م). **پرستشگاه زرتشتیان**. هشتمین نشریه سازمان جوانان زرتشتی بمبئی، بمبئی.
۳۴. شهرمدان، رشید (۱۳۶۰). **تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان**. جلد یک و دو، چاپ راستی، تهران.
۳۵. شیشه‌بری، طاهره، سید علیزاده، احمد (۱۳۹۲). **تجلی باورها در خانه‌های زرتشتیان یزد**. انتشارات سید علیزاده، یزد.
۳۶. عریان، سعید (۱۳۹۱). **مادیان هزار دادستان** (هزار رای حقوقی مرد بهرامان، فرخ (۶۵۱-۲۲۶م)). ترجمه سعید عریان، نشر علمی، تهران.
۳۷. کریمی، فاطمه (۱۳۹۵). «بررسی نقش مذهب در فرم‌یابی عناصر شهری و معماری شهر یزد در دوره قاجار (مطالعه موردی محله مسلمان‌نشین و زرتشتی‌نشین)»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
۳۸. عزیزی بندرآبادی، حمید (۱۳۹۴). «ساختار و عملکرد فضاهای شهر یزد در دوران قاجار با اتکاء به شواهد باستان‌شناسانه»، **رساله دکتری**. گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
۳۹. کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۵). **تاریخ جدید یزد** (۸۲۶ هجری). به کوشش ایرج افشار، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران.
۴۰. کریمیان، حسن و عزیزی، حمید (۱۳۹۴). «نقش بازرگانان در بافت تاریخی شهر یزد در عصر قاجار»، **فصلنامه تاریخ اسلام**. ۱۶، صفحه ۲۶۱-۲۳۱.

۱. اشیدری، جهانگیر (۲۵۳۵ شاهنشاهی). **تاریخ پهلوی و زرتشتیان**. جلد ۱، نشر هوخ، تهران.
۲. اصطخری، ابراهیم بن محمد (۱۳۶۸). **مسالك و ممالک**. به اهتمام ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳. افشار، ایرج (۱۳۵۴). **یادگارهای یزد**. جلد دوم، انجمن آثار ملی، تهران.
۴. افشار، ایرج (۱۳۷۴). **یادگارهای یزد**. جلد دوم، چاپ دوم، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و خانه کتاب یزد.
۵. بشارت، حسین، (۱۳۸۵). **یزد شهر من**. تهران، انتشارات طلائی.
۶. بلوکی، سجاد و هانیه اخوت (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی تشابهات و تمایزات خانه‌های مسلمانان و زرتشتیان در یزد»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**. تهران: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، دوره ششم، شماره ۲۲، صفحه ۵۱-۶۶.
۷. بویس، مری (۱۳۷۴). **تاریخ کیش زرتشت (اوانل کار)**. ترجمه همایون صنعتی‌زاده، توس، تهران.
۸. بویس، مری (۱۳۸۱). **زرتشتیان (باورها و آداب دینی)**. ترجمه عسکر بهرامی، ویراست دوم، ققنوس، تهران.
۹. پوردوود، ابراهیم (۱۳۱۲). **یسنای**. جلد اول، انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران، بمبئی.
۱۰. پوردوود، ابراهیم (۱۳۷۷). **یشت‌ها**. جلد دوم، انتشارات طهوری، تهران.
۱۱. پیوسته‌گر، یعقوب؛ حیدری، علی اکبر و اسلامی، مطهره (۱۳۹۶). «بازشناسی اصول پنج‌گانه استاد پیرنیا در معماری خانه‌های سنتی ایران و تحلیل آن با استناد به منابع اعتقادی اسلامی؛ مطالعه موردی: خانه‌های شهر یزد»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**. تهران: پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی، دوره هفتم، شماره ۲۷، صفحه ۵۱-۶۶.
۱۲. تشکری بافقی، علی اکبر، (۱۳۹۳). «روابط پارسیان هند با زرتشتیان یزد در عهد ناصری»، **مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**. شماره ۱۴، ص: ۶۶-۳۷، بهار و تابستان: ۱۳۹۳.
۱۳. تفضلی، احمد (۱۳۵۴). **مینوی خرد**. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۱۴. توسلی، محمود (۱۳۶۰). **ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران**. چاپ چهارم، انتشارات پیام، تهران.
۱۵. توسلی، محمود؛ منصوری، محمود؛ بنیادی، ناصر و مومنی، محمد حسن (۱۳۶۸). **طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد**. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۱۶. جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۴۳). **تاریخ یزد (قرن نهم هجری)**. به کوشش ایرج افشار، چاپ ایرج افشار.
۱۷. جکسن، والتاین آبراهام ویلیامز (۱۳۶۳). **سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)**. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، خوارزمی، چاپ اول: ۱۹۰۷، تهران.
۱۸. حسینی رحمت‌آبادی، هاجر (۱۳۹۰). «تأثیر فقه و قوانین اسلامی بر فرم‌یابی عناصر معماری سازمان فضایی شهرهای ایران: مطالعه موردی: بافت قدیم شهر یزد»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
۱۹. خادم‌زاده، محمد حسن (۱۳۸۸). **محلات تاریخی شهر یزد**. نشر سبحان نور، پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.

۴۱. کریمیان، حسن و عزیزی، حمید (۱۳۹۷)، «مطالعه میزان تاثیر فقه و قوانین اسلامی بر ساختار محله‌ها و سازه‌های مسکونی بافت تاریخی شهر یزد: نمونه موردی: محله گلچینان»، **فصلنامه مطالعات باستان‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۰، شماره ۲، صفحه ۲۰۵-۲۲۰.
۴۲. کیانی، محمدیوسف (۱۳۷۴)، **شهرهای ایران**، جهاد دانشگاهی، تهران.
۴۳. لطیف‌پور، صبا (۱۳۹۰)، «یزشن، آیینی کهن از دوران هند و ایرانی»، **فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی**، س ۷، ش ۲۲، بهار ۱۳۹۰.
۴۴. مودی، ارواد جی، بامانجی ناساروانجی دهبهار (۱۹۰۹)، **صد در نثر و صد در بندهش**، ترجمه ملافیروز مدرسا.
۴۵. مزداپور، کتایون (۱۳۷۸)، **داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید**، گلشاه و متن‌های دیگر، نشر آگه، تهران.
۴۶. مسرت، حسین (۱۳۷۶)، **یزد یادگار تاریخ**، یزد: انجمن کتابخانه‌های عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد و انتشارات یزد.
۴۷. معماریان، غلام حسین (۱۳۸۶)، **آشنایی با معماری مسکونی ایرانی**؛ گونه‌شناسی درون‌گرا. چاپ چهارم، انتشارات سروش دانش، تهران.
۴۸. مهندسین مشاور آرمان شهر (۱۳۸۶)، **طرح تفصیلی یزد**، شهرداری یزد.
۴۹. میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۷)، **روایت پهلوی**، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران.
۵۰. نقره‌کار، عبدالحمید و دیگران (۱۳۸۷)، **درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی**، دفتر معماری و طراحی شهری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۵۱. نقصان محمدی، محمدرضا و حج فروش، جلال (۱۳۷۲)، «تائیرات طرح جامع یزد در سازمان فضایی شهر»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی**. دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۵۲. نقی زاده، محمد نقی (۱۳۸۵)، **معماری و شهرسازی اسلامی مبانی نظری**، راهیان، اصفهان.
۵۳. نوایی، ماهیار و جاماسپ اسما، کیخسرو (۲۵۳۵ شاهنشاهی)، **نیرنگستان** (دست‌نویس ت ۵۸)، انتشارات موسسه آسیایی دانشگاه پهلوی شیراز.
۵۴. هوف، دیتربش (۱۹۷۴)، **چهار طاق‌های ساسانی در فارس**. ترجمه احسان طهماسبی، مجله بین‌المللی.
۵۵. هیرید، شهریار (۱۳۹۳)، **خاطرات رستم شاپور مهر**. جلد ۱ و ۲، ۳، انتشارات پاپلی.
۵۶. یاسمی، رشید (۱۳۱۴)، «ارداویراف‌نامه (یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی)»، **مجله مهر**، شماره ۱ تا ۵.

57. Modi, Jivanji Jamshedji, (1922). **The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees**. Bombay.



## Religious Spaces in the Layout and Fabric of Zoroastrian Cities Case Study: Yazd

Hassan Karimian

Reader in Archaeology, Department of Archaeology, University of Tehran

Fateme Karimi <sup>\*</sup>(Corresponding Author)

MA graduate of Archaeology, University of Tehran

\* E-Mail: Fatima.karimy69@gmail.com

### Abstract:

The layout and fabric of a city reflect the influence of beliefs and cultures of their inhabitants. Amongst Iranian ancient cities, the historical city of Yazd, thanks to its intact and less-affected old fabric, is an excellent arena for investigating such impact. According to the historical sources, Zoroastrians lived in nine (out of seventy seven) districts of Yazd in the Qajar era. Since Zoroastrians continue to live in these urban spaces to date, it has been tried in the present research to investigate the extent of influence of Zoroastrian's religion on the formation of such spaces. This research, therefore, investigates the architectural elements with religious function in one of the main Zoroastrian districts in Yazd City, and the religious commandments that have influenced the formation of its space. To this end, a relatively well-preserved area i.e. the Dasturān district, is selected and its religious buildings were identified. The results of fieldworks combined with the findings of historical and religious texts, confirm that the religious spaces had a pivotal role in the formation of the fabric of Zoroastrian city.

**Keywords:** Historical fabric of Yazd, Dasturān district, Zoroastrian, Yazišngah, Baršnumgah.